

ف

آریان گوده

صادق هدایت

۲۳۴۸۸۱



اوسانه

اهدائی



بوسیله

۸۴۲۱۷

در تاریخ

تهران ۱۳۱۰
چاپخانه فردوسی

کتابخانه ملی ایران

تاریخ ثبت کتاب

۱۸۸۳۶۶



کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران



کتابخانه ملی ایران

تاریخ ثبت کتاب

۱۸۸۳۶۶

(ب)

« کودکان افسانه ها میاورند »
 درج در افسانه شان بس راز و پند ؛
 هزل ها گویند در افسانه ها ؛
 گنج میجو در همه ویرانه ها .»

مولوی

دیباچه

ایران روزه تجدد میروید ، این تجدد در همه طبقات مردم بخوبی مشاهده میشود ، رفته رفته افکار عوض شده ، رفتار و روش دیرین تغییر میکند و آنچه قدیمی است منسوخ و متروک میگردد — تنها چیزی که در این تغییرات مایه تأسف است ، فراموش شدن و از بین رفتن دسته ای از افسانه ها ، قصه ها ، پندار ها و ترانه های ملی است که از پیشینیان بیادگار مانده و تنها در سینه ها محفوظ است . زیرا تا کنون اینگونه تراوش های ملی را کوچک شمردند و علاوه بر اینکه در گرد اوری ان نگه داشته اند ، بلکه ان ها را زیادی دانسته و فراموش شدنش را مایل بوده اند !

چقدر شاعرانیکه دیوانشان بچاپ رسیده ، ولی امروزه کسی آنها را نمیخواند و نمیشناسد — چون طبیعتاً بواسطه تغییر زمان و افکار از اهمیت گفتار آنها کاسته ، و همه تشبیهات و کنایات اغراق امیز آنها بی مزه و خنک شده . اما از طرف

دیگر آثار ادبی که دارای فکر نیرومند و ارزش حقیقی است ، تازگی خود را از دست نداده و روز بروز بر اهمیت آنها افزوده میگردد . البته منظور ما مقایسه نیست ولی همین ترانه های عامیانه که بنظر مسخره امیز نگاه میکنیم ، در صورتیکه هنوز ورد زبانهاست ، که خودمان در بچگی خوانده ایم و حالا هم دوست داریم که بشنویم - هرگاه زیادی و بیخود بود تاکنون از بین رفته بود . پس نکته ای هست که از آنها نگهداری کرده و یا برای اینست که مناسب و بفرآخور روحیه مردم درست شده و چون گوینده آنها از توده عوام بوده بهتر توانسته است این کار را انجام بدهد .

برخی از آنها با اندازه ای خوب و دلچسب است که نه تنها در يك شهر ، یا يك ولایت رواج دارد بلکه در سراسر ایران در ده کوره ها و همچنین در شهر های بزرگ بزبانهای بومی با تغییر جزئی خوانده میشود ، مثلا از « دویدم دویدم ... » (صفحه ۲) سه نسخه مختلف از ولایات ایران در دست داریم و شاید در سایر شهر ها هم متداول باشد . - چیزیکه آنها را از سایر ترانه ها تمیز میدهد اینست که همیشه يك فلسفه یا فکر اخلاقی در آنها وجود دارد . در همین ترانه فکر احتیاج بشرکت و داد و ستد در جامعه بخوبی نمایان است ، ولی فرقی که با بندگان و نصایح خشک اخلاق نویسان دارد این است که بسا زبان ساده و طبیعی سروده شده و برای اینکه نتیجه قطعی نگردد اخراش شلوغ میشود ، لیکن تاثیر خود را در فکر بچه میکند .

ترانه های کودکانه با اندازه ای با روحیه و زندگی بچه متناسب است که همیشه نو و تازه مانده ، و چیز دیگری نتوانسته جانشین آنها بشود . در اینگونه ترانه ها بیشتر جانوران دست در کار هستند : حرف میزنند ، کار ادمها را میکنند ، بازی ابر میاورند ، ولی همه آنها با قیافه و حرکات خنده دار هستند ، از بچه پستی میکنند و هر کدام از آنها فایده ای میسرانند مثلا : کلاغ پلتر بچه را بیدار میکند و سگ دزد را میگیرد . این ترانه ها طوری ساخته شده که بچه با روح جانوران مانوس میشود و همه آنها را دوست دارد .

ترانه هایی که عمومیت نداشته یا بمناسبت اشخاص و موقع سروده شده تا مدتی که مطلب تازگی داشته است ، در سر زبانها مانده ، ولی همینکه تازگی آنها از بین رفته چون ضبط نشده ناچار فراموش کرده اند مانند : « ای سال برنگردی » (صفحه ۳۴) که برای سال قحطی شصت سال پیش سروده شده و اگر تاکنون مانده برای اینست که هنوز کسانی که در انسال بوده اند بیاد دارند بعضی از ترانه های عامیانه متعلق بیک جرگه یا دسته مخصوصی است و تقریبا از مضمون تند و زننده آنها پیداست مثل : « املم و سه کنم . » (صفحه ۲۴) این ترانه ، اثر طبع بازیگران و مقلد ها است که در خیمه شب بازی و پهلووان کچل بمناسبت موقع می خوانند و انرا نمیشود از جمله ترانه های عامیانه شمرد .

دسته ای از این ترانه ها دارای ارزش ادبی است و با وجود

مضمون ساده بقدری دلفریب است که میتواند با قضايد شاعران بزرگ همسری بکند مانند: « تو که ماه بلند در هوای » (صفحه ۱۴) و با تصنيف معروف: « دیشب که بارون اومد » (صفحه ۳۲) دارای روح و فکر عشقی است و عاشق هرچه کوشش میکند از یار چیزی در دستش نمیآید؛ همان سادگی تشبیهات بر ارزش آن میافزاید.

بی شك از مبداء و گوینده این ترانه ها سنتی در دست نمیباشد، معلوم نیست شعرای گمنامی آنها را سروده اند و یا از قبیل اشعار بومی است که قبل از اسلام در ایران متداول بوده است، سپس تغییرات کم و بیش یافته و بصورت امروز درآمده؛ چه از مضمون و ساختمان بیشتر آنها بدست میآید که برخی از افسانه های بومی ایران باستان مربوط میشود. (۱)

چیزی که اشکار است ساختمان این ترانه ها اثر تراوش روح های و توده عوام است، که بدون تکلف و بدون رعایت قواعد

(۱) در بسیاری از عادات، مثلها و قصه های امروزه عوام نشان اعتقادات، رسوم و افسانه های ایران باستان بخوبی دیده میشود؛ هنوز در اغلب شهر های خراسان بعاتت هخامنشیان جشن سده میگیرند و چراغی میکنند. (صفحه ۲۱۰ Spiegel Memorial Volume) مثل معروف: خشک بخشک نمی چسبد، در اوستا آمده « و ندیداد هشتم ۲۴ » غادت سلام کردن بچراغ قسم خوردن بسوی چراغ، آداب چهار شبه سوری و غیره برگه ای از عادات باستان است و قصه سیمرغ و ازدها باز مانده افسانه های ما قبل تاریخی ایران میباشد.

شعری و عروض سروده اند. و مانند اشعار فارسی پیش از اسلام از روی (سیلاب) و آهنک درست شده. میتوان گفت که برخی از این ترانه های ملی، بدون قافیه نمونه ای از طرز ساختمان قدیم ترین شعر فارسی و شاید از سرودهای ما قبل تاریخی، نژاد آریاست. جای تعجب نیست که بگوئیم ما قبل تاریخی، زیرا شعر اختراع تمدن نمیباشد بلکه نخستین تراوش روح بدوی است: هنوز خیلی از قبایل وحشی با جملات موزون و شعر مانند احتیاجات محدود خودشان را بهم میفهمانند، چه شعر زاده احساسات، اسیر لفظ و قافیه است. و همین جهت هر چه تمدن جلو تر میرود و دایره احتیاجات بزرگتر میشود، از اهمیت شعر کاسته شده و بر اهمیت نثر افزوده میگردد که دقیق تر و بیشتر بدرد اتار فکری و علمی میخورد.

مطابق اسنادیکه در دست است، میدانیم که بیشتر تکه های

اوستا منظوم بوده و مانند سرود خوانده میشده. در اسناد مذهبی ترسائیان آمده که کلیساهای مسیحی که در ایران بوده از حیث ساختمان، نظم، سرود و ساز بر سایر جاها برتری داشته. یعنی عده ای از ایرانیان که بکیش مسیحی گرویده بودند، ساز و ترتیب کلیسا را از روی آداب دین زرتشتی مترتب کرده بودند.

بنا بدستور (سن بازیل) اسقف کایادوس (سن امبرواز)

اسقف میلان، دو نفر هیرید مسیحی ایرانی را بسمت مستشار موسیقی بشهر میلان وارد میکند و آنها به بهترین طرز اینکار را انجام میدهند.

بطوریکه طرف توجه عامه میشوند. (۱)
 (سن اوگوستن) مینویسد که ساز و سرود کلیسای میلان
 با اندازه ای در او تاثیر میکند که بی اختیار اشک از چشم هایش
 سرازیر می شود. (۲)
 این تغییر مطابق سرودهای اوستائی زمان ساسانیان بوده
 است. از طرف دیگری می بینیم که اهنگ سرودهای اوستا بدون قافیه
 و مانند همین ترانه های عامیانه است. مثلا در این تکه از (گاتها) اهنگ جملات آن بخوبی
 نمایان است:

و هو خوشترم وریم
 باغم ایی بریستم.
 سکیه و تنای مزدا و هیستم
 تنه نوچیت ورشانه. (۳)
 همه اشکال دانشمندان سر اینست که اغلب اشعار اوستا، دارای
 یک وزن و اهنگ معین نیست. یعنی اهنگ هر بیتی ممکن است با دیگری فرق
 داشته باشد. در این شعر مصراع اول دارای شش (سیلاب)، دومی
 هفت، سومی هشت و چهارمی هفت (سیلاب) دارد، این

(1) Mgr Batiffol - Histoire du Bréviaire Romain.

جناب فادررایس این جانب را دوستانه متوجه این نکته نمودند و در ضمن از ایشان تشکر میشود.

(2) Confessions de St Augustin.

(3) Avesta par C. de Harlez ۷۷ صفحه.

ازادی قافیه و اهنگ عینا در ترانه های عامیانه دیده میشود، مثلا
 ترانه ذیل دارای همین وزن و اهنگ است:
 هاجسم، واجسم
 تو حوض نقره جسم،
 خانومی بقربونم شد
 نقره نمکدوم شد.

دو نمونه دیگر از قدیمترین شعری که بزبان فارسی
 سروده شده در دست است که از همین ترانه های عامیانه میباشد.
 اولی آنها ایات معروف (ابن مفرغ) است که در حدود سنه ۶۰
 یا ۶۴ هجری هنگامیکه او را بدستور خلیفه بند کرده بودند و در شهر
 بصره میگردانیدند می گفته:
 آبت نیبذ است
 عصارات ز بیبست
 سمیه روسببذ است.

و دیگری را طبری در ضمن حوادث ۱۰۸ هجری مینویسد
 ۵: (ابو منذر امدن عبدالله القسری) به ختلان لشکر کشید
 و با خاقان ترک جنگ کرد و شکست خورده به بلخ گریخت؛
 اهل خراسان برای او این ایات را ساخته و بچهها میخواندند:
 از ختلان امدنی
 برو تباہ امدنی
 بیدل فراز امدنی.
 جای دیگر نوشته:

از ختلان امدیه

برو تباد امدیه

ابار باز امدیه

خشک تزار امدیه . (۱)

چنانکه ملاحظه میشود در شباهت این ابیات با ترانه های ملی امروزه جای تردید نیست و همین نشان می دهد که توده مردم شیوه و قاعده شعری ایران پیش از اسلام را از دست نداده است و (امنی) که در آخر این بیت ها تکرار شده حکم ردیف را دارد و نباید با قافیه اشتباه شود. (۲) بداست برای اینکه تحقیقات بیشتری راجع باینگونه گنجینه های ملی بشود باید کتاب های مفصل نگاشت و در یک دیباچه مختصر ذکر آن بی مورد است؛ و نیز آگفته نماید که

(۱) آقای میرزا محمد خان قزوینی مینویسد: «و این ابیات اگر چه آنها را شاید از قبیل شعر ادبی بمعنی متعارفی مصطلح نتوان محسوب نمود بلکه ظاهراً از قبیل اشعار عامیانه است که اکنون «تصنیف» گویند ولی در هر صورت نمونه بسیار دلکش غریبی است ازین جنس شعر در هزار و دویست سال پیش ازین در خراسان. و وزن این اشعار را اگر چه می توان از بعضی مزاحفات بحر رجز «مطوی مخبون» بر وزن مستفعلن مفتعلن ومفاعلتن مفتعلن ومفاعلتن استخراج نمود ولی قریب یقین است که این توافق وزن از قبیل تصادف و اتفاق است چنانکه بعضی از اشعار انگلیسی یا فرانسه را هم مثلا میشود بطور تصادف بر یکی از بحور عرب حمل نمود.» مجله کاوه و بیست مقاله قزوینی صفحه ۲۵۷.

این کتاب مشتمل بود بر دو قسمت : بخش اول همین ترانه های عامیانه و بخش دوم مجموعه مفصلی راجع به اعتقادات و عادات عوام که امیدواریم پشت بند همین کتاب بچاپ برسد - معلوم است این کتاب دارای نواقصی میباشد و برای گرد آوردن همه ترانه های ملی باید در سایر ولایات و دهکده های ایران حتی آنچه که سابق بر این جزو ایران بوده کاوش جلی بشود .

در اینجا تنها ترانه هایی ذکر میشود که اثر فکر عوام است و از درج اشعار بکه بزبان عوام گفته شده و یا تقلید همین ترانه هاست خود داری کردیم . در چاپ دوم کوشش خواهیم کرد که مجموعه مفصل تری با همه اسنادی که در دست داریم به چاپ برسانیم و از کسانی که ما را در این جمع اوری کمک خواهند کرد قبلاً تشکر مینمائیم .

در خاتمه از آقای ذ - بهروز که مرا در چاپ این کتاب تشویق نمودند نهایت امتنان را دارم و نیز سیاست گزار آقای جواد کمالیان میباشم که در گردآوری این مجموعه کمک های گرانبها باین جانب کردند .

ص. هدایت

تهران ۱۲ مهر ماه ۳۱۰

دانه ها از زخمه با اندام رسیده ، شسته با آب ، و با کف دست به بالک ...
تا آنکه ...



ترانه بچه ها

یکی بود یکی نبود ،
 سر گریخته کی بود ،
 اسبه عصاری میکرد ،
 سگه قصایی میکرد ،
 شتره نمده مالی میکرد ،
 عنکبوته بهمازی میکرد ،
 مادر موش ناله میکرد ،
 پاش سریند بحوض شبا ،
 گفت : چکنم ، جاره کنم ،
 صدای بزغاله کنم ،
 دنبه داری ؟ ... !

لب بوم ما نشی ،
 برف میاد ، کندله میشی ،
 کی در مباره ؟ فراشمشی ،
 کی میزله ؟ آشپز باشی ،
 کی میخوره ؟ ملا باشی ،

مرغک خوبی داشتم ،
 شغاله امد و بردش ،
 خوش نگه نداشتم ،
 سر با نشین و خوردش .

دویدم ، دویدم ،
 دوتا خاتونی دیدم :
 یکیش بمن نون داد ،
 زمین بمن علف داد ،
 بزنی بمن پشگل داد
 نونوا بمن اتیش داد ،
 زرگر بمن قیچی داد ،
 درزی بمن قبا داد ،
 بابا بمن خرما داد .
 گفتم : بابا خرما بده
 زد تو کلام ، افتاد تو باغچه ،
 رفتم کلام و بیارم :
 اتیش به پنبه افتاد
 سگ به شکنجه افتاد ،
 کربه به دنبه افتاد . (۱)

قورباغه میکه من زرگرم ، طوق طلا بگردم ،
 ها جسم و واجسم ، تو حوض نقره جسم ،
 نقره نمکدونم شد ، خانمی بقریونم شد .

سکه واق واق میکنه . گربه پیاز داغ میکنه ،
 خره عر عرمیکنه ، دنبشویه ور میکنه ،

(۱) زن بشیدآب میکشید ،
 نخوردم و نخوردم ،

نون و پنیر پشم کشید ،
 از در خونه درم کشید .

رقیه رق میزنه ، سرشو بصندق میزنه ،
 کلاغه غارغار میکنه ، اقا رو بیدار میکنه .

کلاغه میکه - : من غار و غار میکنم واست ،
 اقا رو بیدار میکنم واست ،
 گنجیشکه میکه - : من جیک و جیک میکنم واست ،
 تخم کوچیک میکنم واست ،
 خره میکه - : من عر و عر میکنم واست ،
 پشگل تر میکنم واست ،
 سکه میکه - : من واق و واق میکنم واست ،
 دز و بی دماغ میکنم واست ،

خورشید خانوم افتو کن ، به مش برنج تو او کن ،
 ما بچه های گرگیم ، از سرمائی بمردیم .

رفتم بصحرا دیدم قورباغه ، گفتم : قورباغه دماغت چاقه ؟
 رفتم بصحرا دیدم لاک پشت ، گفتم : لاک پشت قرت مارو کشت !
 رفتم بصحرا دیدم مار مولک ، گفتم : مار مولک عیدت مبارک !

گنجیشکک الیلی ، بابای منو تو دیدی ؟
 بله بله من دیدم : کلنگکی دوشش بود ،

ایی ته دولش بود .

گره میگه : مو مو ، سکه میگه : بدو سو ،
 اب چشمه ها شور ، ماهیهای توش کوره ،
 حالا که بلبل میخونه ، حالا که بابا پیونه ،
 حسنی که باغ داره ، بره جاق داره .
 سجه ها بیاین دس بزیم ،
 داروغه چه کار داره ؟
 رفتم بسوی صحرا ، دیدم سواری تنها ،
 گفتم : سوار کیستی ؟ گفتا : سوار بل ،
 گفتم : چه داری در بغل ؟ گفتا : کتاب پر غزل ،
 گفتم : بخوان تا گوش کنم ، گفت : اسم ازاسته
 افساب خوشست
 میزیم طبل علا ، مرفیم پیش خدا بشه
 ای خدای خوشنام ، صد هزارت بکنام ،
 کاشکی من مرغی بودم ، مرغ سمرغی بودم ،
 در هوا پر میزدم ، بر زمین سر میزدم .
 این درو وا کن آس بیاد ، اون درو وا کن آس بیاد ،
 مرد قزلباش بیاد ،
 هنبونه جسونم هنبونه ، هنبونه را بسیم برشونه ،
 رفتم اسباب دودنیوه ، سلام علیکم هنبونه ،
 دردت بجونم هنبونه ، آرام رجونم هنبونه ،

کی هنبونه رو میجنیونه ؟ نمیدونم چرا می لنبونه !
 موش رفته تو هنبونه ، سرش و اونجا می جنیونه ،
 خودش میگه رفتم ، اما منو میترسونه ،
 ای هنبونه ، ای هنبونه ، دردم بجونت هنبونه !
 سوار این لاک نمیشم ، سوار اون لاک نمیشم ،
 سوار لا کزاده میشم ، تا دم دروازه میرم ،
 دروازه نگین داره ، قلف عنبرین دازه ؛
 عنبر بسایم ما ، دوراو بگردیم ما .
 ای شاه کمر بسنه ، خنجر طلا بسته ،
 خواهرش بالا خونه ، تمبون قرمزی باشه ،
 بند قرمزی باشه !
 بیخ کردم و بیخ کردم ، گره رو تو مطبخ کردم :
 گره زن عموم شد ، دم بختها تموم شد !
 شاشو شاشو شرمنده ، جارو به دمبش بنده ،
 دور حیاط میگرده ؛ بچه ها بیاین تماشا
 شاشو زده به حاشا ؛
 اینک راو دونک رو ، بر سنک بز کیک رو ،
 کیک کناره داره ، شاه نقاره داره ،
 شاه خانم تبریزی ، انگشترش باقرزی

نون و پنیر و پسه
دسمال شا سوخته شده
این در و وا کن فریدون ،
قالی رو بکش تو ایوون
اسم بابام مموته .
پیرهن زرد خالا
بشین و زهرمار کن ،
نکنی روده درازی .

کچل کچل کلاجه
کچل رفته به اردو :
کردو رو ابش برده
روغن کله پاچه
برای نصف کردو ،
کچله رو خوابش برده !

کچلا جمع شویم تا برویم پیش خدا
یا علاج سر ما کن ، یا بزن کردن شاه مگسا .
جینگیلی کچل . . . جینگیلی کچل . . . !

رقتم در باغ دو در
زدم به کله کچل :
جیع و دادش در امد .
زفت از سرش ور امد

بارون میاد قلقاچی
تو جیب بابام پر نخوجی .

بارون میاد ریزه ریزه
تو جیب بابام پر فیروزه .

بیچه ها دس بز نیم یا بز نیم موش . . . داره ،
بزیر . . . اش چار پایه داره !

فرش اطاق خاله ،
شم اطاق خاله
مرواری یای خاله
جاروی اطاق خاله
مهمونای خاله ،
یشم تن بزغاله !
از بی یای بزغاله !
دندونای بزغاله
از ریشای بزغاله
از دولت بزغاله !

خاله خاله ،
در خوشتون
اشت کاله
قال مقاله .

دختر خاله رو چه کردی ؟
سر نخار و کر چیم
بتوی طاقچه
تم بیاد بینه
گل لاله رو چه کردی ؟
بدور هم پیچیدم
چیم
واسم جوراب بچینه .

این کوچه رو کی ساخته ؟
با چوب نمنا ساخته .
اوسای بنا ساخته .

ازون بالا میاد يك گاه دختر همه چادر بسر مثل کبوتر .
 ازون بالا میاد به سه حوری همه چادر بسر سینه باوری .

 عدس عدس عدسی پس چرا خانمسی ؟
 مکه خنا گرون بود قیمت زعفرون بود ؟

 رفتم دره باغ در شیکه دیدم ابولی اونجا نشسته ،
 گفتم : ابولی روغن چطوشد ؟ گفتا بخدا سناری کم شد !

 بچه ها بگیریم بونه با هم بریم تو خونه ،
 نون و پنیر و پونه نه نه کشمونه .

 فریدون ، مال مندا اسبت و بکش تو میدون
 یا کسی نباشه مال خانمی میخواد سوار شه .

 ای داد میداد ، تخمه بو میداد ،
 همه میداد بمن نمیداد
 وقتیکه که داد یوساش و داد ،
 منم بو دادم باو تدام
 وقتیکه دادم یوساشو دادم .

 کفدر بهوا زنگوله پیاشه فاطمه گم شده رقیه بجا شه !

این جیه ؟ یوس بره ، بزن تا بادش دره !

 راسی ؟ لباس و لیسون و لپه جون خاله ماسی ؟
 تو بودیکه ماس میخواستی ؟ چاره کارس میخواستی ؟
 به دس لباس میخواستی ؟

 هلیله و بلیله روغن میخ طوبله
 کاسه سرله شیره .

 افتاب زده گلی گلی قد قد مرغ کاگلی ،
 تخم سفید میداره ، جوجه شو در میاره .

 ما سنگزن شینه زن امورجه خانیم زرد خوب می چپانیم ،

 تلبه . گوشت و یباز و دنبه ،
 گوش نمیخوام دنبه میخوام به زن ... کنده میخوام .

 الحمد اش کشکی مردك اب زرشکی ،
 ایبای نصفه کاره ، انجیل پاره پاره ،
 قل قل قله و ولا به عمله دو بنا .
 قل هو ولاو صمد موشرفت لای نمده ،
 میزنه جفدك و لقد الا ، بلا کفوا احد .

قوری لب طلائی ، نه قند داره نه چائی ،
 عروس باین کوتائی ، دوماد باین سیائی
 هر دو بهم میائی !

تبت بدا ایله ، اخوند و بیر طویله ،
 کاهش بده ، جوش بده نمیره .

الف ، ب تتر مسن ریش اخوند . . . حسن .

یک ، دو ، سه ، زنگ مدرسه ،
 چار ، پنج ، شیش ، ناظم یا پیش ،
 هفت ، هشت ، نه یک قدم جلو ،
 ان ، لن ، کی و اذآ مش غلامحسین زنگ و بز .
 فیتیه ، فردا تعطیله
 لوییا ، صبح زود یا ،
 عدسی ، فردا مرخصی .

Handwritten notes in smaller script at the bottom of the page.

ترانه دایه ها و مادران

لالائی

لا لا ، لا گل یونه ، گدا امد در خونه ،
 نونش دادیم بدش امد ، خودش رفت و سگش امد
 لا لا ، لا لا کلم باشی ، تو درمون دلم باشی ،
 بمونی مونس باشی ، بخوایی از سرم واشی ،
 لا لا ، لا لا گل خشخاش ، بابات رفته خدا همراش ،
 لا لا ، لا لا گل فندق ، نه ات امد سر صندق ،
 لا لا ، لا لا گل پسه ، بابات رفته کمر بسه ،
 لا لا ، لا لا گل زبره ، چرا خوابت نمیگیره ؟

که مادر قربونت مبره .

دسی دسی باباش میاد ، صدای کفش یاش میاد ،
 دس دسی نه اش میاد ، با هر دو تا ممه اش میاد ،
 دس دسی عموش میاد ؟ با جیب پر لیموش میاد ،
 دس دسی دس دس و دس کربه مندیشو و می بس
 قاضی خندش میگرف خونه قاضی ور میجس
 باد زیر دندش میگرف !

کلاغه میکه : غار غار ، چاشت بندی قلمکار ،
 پسر کی میره سرکار ؟ (نیچ) حالا روده (نیچ)
 حالا زوده . . .

بهرام خان قندی ،
 زیر درخت الو
 بهرام خان درشتی
 زیر درخت زرگس
 قربونت میرم به وقتی
 قربونت برم چه میشه ؟
 میافته یارده میشه ،
 اش بیاله میشه
 بقریون سر تو ،
 خودم خرتو میروم
 من قریون و من قریون ،
 اشتر با قطار قریون
 تابه با باباش قریون ،
 قریون سرت سرها
 بچه های کوچه دزن ،
 اسبت و کجا می بندی ؟
 داغت و نه بینه خالو
 دیشب کجا میکشتی ؟
 داغت و نیمم هرگس !
 انوقت که روی تختی ،
 انار طاقچه میشه ،
 خوراک خاله میشه .
 شیکر بار خر تو ،
 بمنزل میروم .
 مرغ جوجه دار قریون .
 دیک حلقه دار قریون ؛
 خواهر شوهر اش قریون .
 کچه ها نری تنها ؛
 گردن طلا تو میدزن .

خانوم خانوما میزام ،
 چرا نزام به دختری ،
 خانوم دخترا میزام ،
 سوار بشم بر استری
 پس بروین ، پیش بیانین ،
 مادر خانوم امدلا ؟
 چرا بزام به پسری
 هی بکشم جور خری ،
 جلو بیفته مهتری ،
 مزوری ، حيله گری ، جادوگری ؟
 چه دختری ، چه چیزی !
 گوشتاشو در میاره ،
 دس میکنه تو دیزی ؛
 نخوداشو جا میداره !
 به کس کسانش نمیدم ،
 بمرد پیرش نمیدم ؛
 برای پسر بزرگترش
 خاله خاله جون ،
 مرغه کجاس ؟
 چن تانخ داده ؟
 نخماش چتو شد ؟
 خناش کجاس ؟
 راه دورش نمیدم ،
 شا بیساد با لشگرش ،
 ایا بلم : ایا نلم . . !
 خاله خاله جون !
 تو زنبیل ،
 به غریبل ،
 خنا شد ،
 دس عروسه ،

عروس کجاس ؟
 اب حموم چتو شد ؟
 شتره کجاس ؟
 چی بی میخوره ؟

توی حمومه ،
 اب حموم دیکه تمومه .
 اب حموم و شتر خورد ،
 پای چنار ،
 بلگ چنار .

تو که ماه بلند در هوایی
 منم ستاره میشم دورت و میگیرم ،
 تو که ستاره میشی دورم و میگیری ؟
 منم ابری میشم روت و میگیرم ،
 تو که ابری میشی روم و میگیری
 منم بارون میشم تن تن میبارم ،
 تو که بارون میشی تن تن میباری ؟
 منم سبزه میشم سر در میارم ،
 تو که سبزه میشی سر در میاری ؟
 منم گلی میشم پهلو ت می شینم ،
 تو که گلی میشی پهلو ت می شینی؟
 منم بلبل میشم چه چه میخونم .

شیشم شیشه عمره ،
 چارم چار پایه داره ،
 دوم دو زلف یاره

پنجم پنجه شیره ،
 سوم سه نهر ایه
 یکم یه گل خاره .

ین شیش تارو قلیه کنیم
 بیریم پهلوی بار

توی طبقه نقره کنیم ،
 او بخوره ما چه کنیم ؟

اب اومد ، اب اومد ،
 همون که تش خاموش کرد ،
 همون که جوب سوزونده ،
 همون که سگ رو کشته ،
 همون که مرغ و خورده ،
 اون مرغ زرد یا کوتا
 سیا و سفید کل باقالا ،
 اون سگه مفتی بردش ،

کدوم اب ؟
 کدوم تش ؟
 کدوم جوب ؟
 کدوم سگ ؟
 کدوم مرغ ؟

دیشب نبوددی خونه
 کک برده و مک برده
 داماد یا احاف برده

دز رفته بالاخونه
 یه جفت توله سگ برده ،
 عروس با دسک برده !

۱۴۴۰

بازیها

روی پای بچه ها زده این ترانه را میخوانند و هر کدام بنوبت پایشان را کنار میکشند ، کسی که پایش بماند باخته است :

اتل مقل تو توله ، کباب حسن کونوله ،
نه شیر داره نه پسون ، شیرش و پیر کردسون ،
یه زن کردی بسون ، اسمشو و بذار : ستاره ،
واسه اش بزنی تقاره ، یه خوب زدم به بابل ،
صداش رفت استنبیل ، استنبلم خراب شد ،
ها چین و واچین ، بند دلم کباب شد !
یه پاتو ورچین !

اتل مقل توت مقل ، پنجه بشیر مال اشیکر ،
خالمی کجا سن ؟ تو باغچه
چی چی می چینه ؟ الوجیه
برای کی ؟ برای دختران کوجه .
کی برود ، کی نرود ؟ غلام سیا پیش برود .

.....
الوجه سه گردو ، خبر بردن به اردو ،
اردو سلندر شد ، کفش بگم تر شد ،
بگم بگم حیا کن ، از سوراخ در نگاه کن .

کف دست بچه را قفلاک میدهند و از انگشت کوچک او شروع کرده میگویند :

لیلی لیلی حوضک .
۱ - گنجیشکه امد اب بخوره افتاد تو حوضک ؛

۲ - این دوید و درش کرد ،

۳ - این ماچی بر سرش کرد

۴ - این نازی بر پرش کرد

۵ - شست این کله گنده امد گفتش : بده به بینم ،

همینکه دادن بینه ، گنجیشکه پرید رو چینه .

۱ - این کوچول کوچوله ، ۲ - این ننه موجوله ، ۳ -
این عبا بلنده ، ۴ - این قبا بلنده ، ۵ - اینم کفش
دوز کنده .

۱ (این گفت بریم به صحرا

۲ (این گفت چی بیاریم ؟

۳ (این گفت گون بیاریم

۴ (این گفت که مگره اون جاس ،

۵ (این کله گنده گفتا : هشتم شما را همرا

از کی دیگر میترسین ؟

دست های بچه را گرفته به جلو و عقب می برند و می گویند :

مشکی ، دوغی ، هراتی ،
بیریم بازار بفروشیم ،
به من کره نباتی ،
بیرهن نو بیوشیم .

چند نفر بچه دور هم نشسته انگشتشان را روی گل قالی میگذارند ، اوسا میگوید « اوسا بدوش ، زن اوسا ندوش - کلاغ پر ، گنجیشک پر . . . » بچه ها دستشان را بلند می کنند ، ولی هر گاه اوسا نام جانور یا چیز دیگری را ورای پرانده بگوید و کسی دستش را بلند نکند مثلاً بگوید « گاو پر .. ! » انوقت او را به پشت خم کرده و با کف دست بیشتش زده میگویند :

تپ تپ خمیر
پرده حصیر
شیشه بر پنیر ،
توتک فطیر ،

دس کی بالاس ؟

این کار تکرار می شود تا بچه که خم شده درست حدس بزند ،

بچه ها یاهای یکدیگر را گرفته اوسا میگوید :

به دبه و دو دبه ،
سه دبه و سه دبه ،

سه سبد سیب رنگین
اهو بچرا
سه انار ترش و شیرین ،
برده بچه را

سبوری سبور .

ای مادر گلندون ،
هلالی زمزمه کشک و بادمجون
امدی قربدی افتادی توقندون ،
بقر بون سرت به خورده بجنبون .

بچه ها مشت خودشان را گره کرده رویهم میگذارند
و اوسا میگوید :

جمجمك بلك خزون
کیس داره قد کمون ،
مادرم سیمین خاتون
از کمون بلند تره ،
از شبق مشکی تره ،
گیس او شونه میخواد ،
شونه فیروزه میخواد .
حموم هرروزه میخواد .

پشک - در باز بهای دسته جمعی ، یکی دو نفر اوسا لازم است که شروع و ترتیب بازی بدست انهاست . برای یار گرفتن بیش از اینکه انگشتان را بشمرند میگویند :

سر از من اخر از تو ، به نخود ، دو نخود ، سه نخود ،
جاری جنبر ، مشك و عنبر ، تازی ، توزی ، حقا ، روزی .
و یا میگویند :

کاشکی من گربه بودم ، میو میو کرده بودم ، به قاب
پلو خورده بودم !

مثلا در بازی گرم بهوا ، گرم و اوسا اینطور گفتگو می کنند :

گرم و الله میبزم ، جویون داره نمداره ،
من میبزم خوب خوشو ، من نمیلیم پشگلشو ،
کارد من تیز تره ، دنبه من لذیذ تره ،
خونه خاله کدوم وره ؟ از این وره از اون وره .

اشتر اشترم ، لب اشترم ،
اشتر کجاس ؟ مازندرون .
چی چی میخوره ؟ بلک خزون
چی چی میبره ؟ قند و شکر
راه گذیش ؟ از اینطرف از اونطرف .

برای زبان بندان معلم میگویند :
از در درائی در شوی ، مرا بینی خر شوی
سرت سبد ، زبونت نمده ، بحق الله او صلواتش را

دو بچه که از یکدیگر میرنجند یکی از آنها میرسد :
س - رو زمین چیه ؟ ج - خاک
س - حساب من و تو یاک ! ج - شوی
درموقع اشتی میگویند :

س - رو زمین چیه ؟ ج - ریگ
ج - من و تو رفیق !
س - تو دیک چیه ؟ ج - اش - ج - من و تو داداش .

در موقع تهدید روی زمین خط کشیده میگویند :
این خط ، این نشون اینم کلاه درویشون ، کلاه

برای اینکه حدس بزنند در دست رفیقشان چیست می گویند :
در داره غنچه داره ، کلید صندوقچه داره ،
درش و واکن این تو داره .

یا درینه یا درونه ،
خواجه رومیش براونه .

س - رو زمین چیه ؟ ج - خاک
س - حساب من و تو یاک ! ج - شوی
درموقع اشتی میگویند :

رمزها

در بسته و بوم بسته ، قلندر تو حیاط جسته !
 - قوطی کبریت -
 چل قوطی چلبند قوطی ، چهل عروس توبه قوطی !
 - قلیان -
 دالان دراز ملا باقر ، قرقر میکنه تا طبل اخر !
 - نیام قداره -
 دالان دراز تنگ و تاریک ، اقا خوابیده دراز و باریک !
 - موی سر -
 باقم باقم ، پشت کوه انداختم .
 - ماهی -
 قالی لب تافته ، گل بگل انداخته ،
 قدرت پروردگار ، خوب بهم انداخته !
 - ترازو -
 عجایب صنعتی دیلم در این دشت ،
 که بی جانی بی جان دار می گشت ،
 عجایب صنعتی دیلم که شش یا دوسم داشت ،
 عجایب تر از ان دیلم که یکدم در میان داشت .
 - زنبور عسل -
 یوز پلنگ بی دم ، نه جو خورد نه گندم ،

گشت زند بیابان ،

نفع دهد بمردم .
 - سر -
 یائین سنگ و بالا سنگ ، بالاش هو لوله تنگ ،
 بالاش دو شمع روشن ، بالاش کمون هندی ،
 بالاش سریر شاهون ، بالاش بازار ریسمون ،
 - زردک -
 زردم ، زبرم ، زیر زمین معتبرم .
 - انار -
 صندوق ملك معصوم ، آورده به نخسون ،
 لابلش طلا کاری ، دونه هاش جو مرواری !
 - پستان -
 یه چارك گوشت لذا ، رگ و بی داره هزا ،
 سر او کندله مازو ، چون ننت خوردی از او ؟

ترانه های عامیانه

بادا بادا ایشالا مبارکبادا !
 امدم وسه کنم ، ایشالا مبارکبادا !
 عروسی شاهونه ، عیش بزرگونه ، ایشالا مبارکبادا !
 ایشالا مبارکبادا !

خونه بابا نون و انجیر ، خونه شوهر چوب و زنجیر !
 ایشالا مبارکبادا !

گل درین باغه ، سنبل درین باغه !
 شادوشاد را بگو : عروس درین باغه ،
 گل بدسم باقیه ، سنبل بدسم باقیه ،
 شادوماد را بگو : چه وقت نومزد بازیه ؟

بادا بادا ایشالا مبارکبادا ، !
 امشب چه شبست ؟ شب وصال است ،
 اینخانه پر از چراغ و لاله س !

امدیم باز امدیم ازخونه دوما دمدیم :
 همه ماه و همه شاه و همه چشم بادومی ،
 امدیم ، باز امدیم ازخونه عروس امدیم :
 همه کور و همه شل و همه چشم نم نمی .

عروس خاتون بیا بشین بمجلس
 بدور خود بچین نارنج و نرگس .

عروسک جادر بسر کن حالا وقت رفته
 نمیرم ، من نمیرم من ، خونه بابام بهتره .

دامبول ، دیمبول تقاره ، عروس جادر نداره
 دوما د رفته بیاره .

مادر دوما د ، خیک پر باد .
 مادر عروس ، بشین و بسوز .

مادر شوور ماره ، بچش مارمولک ،
 خواهر شوور خاره ، بچش خارخسک .

مادر شوورم غریب و لندید ، من حوصله کردم ،
 یک چارقت ممشش بسرم تیکه پاره کردم .

مادر شوور غرغری ، تا کی میکنی چغلی ؟
 سمارزو ور دار با قری : گوشه حیاط نشسه باش ،
 مقاش بدست داشته باش ، مژه تو بکن پواش پواش ،
 کار بعروس نداشته باش .

روزیکه من و دیدی گه خوردی پسندیدی ؟
بابام و بگی، بابا تو میکم نغم و بلی ، نتت و میکم
آخر سر ، به دس خر دست میلم !

مادر شوور خنشتی دیشب چه دردی داشتی :
اقتبه ور میداشتی ، دور حیاط میگشتی ؟

ای دلم ، ای کرم از دس مادر شوورم ،
بسکه غرغر میکنه ، دل و جگرمو پر میکنه .

شوهرم تریا کیه ، مثال کرم خاکه ،
شب که میاد بخونه از من میگردد بوته :
باد تو هونگ نکوفتی زیر سیلم و نروفتی !

یل من یراق میخواد ، یراق نمیدی ، طلاق میخواد .
طلاق نمیدی ، ددر میرم از کوجه دو در میرم
با کل ممد جفر میرم ، با لاله و قتر میرم :
ددرم سر یولکه یول دارم تو قلکه .

تبا کوزو پرتم کن ، انیش سر و کم کن ،
مهمون بگیره دودی ، اواره بشه زودی .
به سیر گوشت دارم زنیکه تو بار کن ،

مهمونم دارم ابشو و زیاد کن
قوت ندارم به سینخ کباب کن ،
چه زاغ ندارم دنبه شو اب کن !

مردیکه نون نداره انقله زبون نداره .

هر کی عروس عمه شد سرخ و سفید و بومه شد ،
هر کی عروس خاله شد ، سوسک و سیبا و جزغاله شد .

پسرزائیلیم به اه و هوس بزرگش کردم به اه و نفس ،
دادمش بدس خرمگس ،

خرمگس ورداشت و رفت : کنج قفس !

هر جا نقل و نواله اس ، او نجانه جای خالس ،
هر جا گریه وزاری اس برین خاله رو بیارین .

به تیکه نون پربری من بخورم یا اکبری ؟

هم گل مگلونه ، هم سفره نونه .

هم لنگ حمومه :

هم حسنی بسر می پیچه هم دور کمر می پیچه ،
هم دخل فروشش هس هم لحاف دوشش هس .

مال از خودم ، زمین از خدا
نه رئیس میخوام نه کد خدا .

ای خدا سوخته جونم : ازین فرش طاقت ،
ازین ببل باغت ، ازین شم چراغت ،
ازین اش سماقت ، ازین چادر تافتت ،
ازین کفش شلختت . اِه اوه ، اِه اوه ،
چه لنده لنده داری ، چه . . . گنده داری !

یه چارک برنج جوشوندم ، خلق خدارو نشوندم ،
چه خوردن و چه بردن ، چه خونه ها سپردن !

دنیا باین بزرگی ، کوره نصیب ما شد !
باغ باین بزرگی : غوره نصیب ما شد !

سفید سفیدش صد تمن ، سرخ و سفید سیمصد تمن ،
حالا که رسید بسبزه هر چه بگی میارزه .

سیا باشه ، سوخته باشه ، نمدی بکول داشته باشه ،
یه خورده پول داشته باشه .

بی اوسا بکار رفته بی سنگ بشکار رفته ،
اش کشک پر عدس . شاباجی بفریادم برس .

بری بری ور بری ، دیشب کی بود تو پنج دری ؟
اجیل فروش کوجمون ، دسمال اجیل آورده بود ،
اجیلا رو من یسش دادم وعده به امشبش دادم .

بی زبیده بانو ، اخ اوخ قر اومده تا زانو ، اخ اوخ
زن ملا حسنم صاحب طاس و لکنم ،
صد کله و صد پاچه و صد دیک یلو مزه مزه کردم ،
هنوز صبح نشده ناشنا می کردم .

دهن داره جو گاله ، دماغ داره نواله ،
چشما داره نخوجی ، ابرو نداره هیچی .

دهن داره جو غنچه ، دماغ داره قلمچه ،
چشما داره بادومچه ، ابرو داره کمونچه .

بیا بریم باغ یودونک ، شراب ما دوغ بی نمک ،
کباب ما نون و جیگرک دلبر ما فاطمه کورک !

سید ال کوفته ، دشمن مال مفتحه .

پلو و جلو و مسما ، ته دیک و ابگوشت و ترحلوا ،
ای اشیز دلاور ، ته دیک و زود بیاور ،
ای خانم دلخسه ، ته دیک هنوز نمسه .

شاباجی خانم زائیده ، بالای اطاق خوابیده ،
ماباجی خانم رسیده ، هسه هلو ساییده ،
شاباجی خانم بچه ات کو ؟ قیچی و ماماچه ات کو ؟
بچه نبود ، باد بود ، اسمش خدا داد بود .

فالت قاله ، مردنت امساله ،

گفتت یوس شغاله ، قبر کنت خر چنگاله !

سر کوه بلند جنگ میکنم جنگ ، قبای میخکی رنگ میکنم رنگ ،
قبای میخکی ابی نمیشه ، دلم از درد و دو خالی نمیشه ،
الهی رنگرز رنگت نجوشه ، خودم رنگ میکنم یارم بیوشه .

دل هادم ، دل ها گیدم بنده

گردیدم ، باباش خاتومجان !

چون او بیای گل ورا کرده
گردیدم ، باباش خاتومجان . (۱)

هالوک مردم ، کره مردم ، والله بخدا کاری نکردم .
زنجیر بگردن ، گوشه نشینم .
هروله ، هروله بملووه ،
زرد هوچه وقت خووه ؟

سک استخوان سوخته را بو نمیکوند ،
کاربکه جنس میکند ، ابرو نمیکوند .

بالای بونی یار ، کفدر پرونی یار ،
شست بنازم ای صتم ، خوب میپرونی یار .

بالات بلند ، ابروت کمنده ،
میان هر دو ابروت ، خال سمنده .

اگر یارمنی من همون یارم ، صد جفا کنی من وفا دارم ،
دسمال حریرتو بدس داری ، از حال دلم چه خیر داری ؟
امروز دوروزه ، فردا سه روزه ، یارم نیومد دلم میسوزه .

(۱) دل دادمو دل گرفتم و بنده شدم ، چون اب بیای گل پراکنده شدم .

دیشب که بارون اومد ، یارم لب بون اومد ،
رقم لبش بوسم ، ازك بود و خون اومد ،
خونش چکید تو باغچه ، به دسه گل در اومد ،
رقم گلش بچینم بریر شد و ور اومد ،
رقم بریر بگیرم کفتر شد و هوا رفت ،
رقم کفتر بگیرم اهو شد و صحرا رفت ،
رقم اهو بگیرم ماهی شد و دریا رفت!

یه دیک دارم چهار گوشه چهار گله بز میدوخته ،
حلقه دیکم شیکسه زرگر پایش نشسه
رقم بازار زرگرا ، دیدم خانوم چادر سرا
گفتم : خانم خونت کجاس ؟
گفت : خونمون خیابونه ، یست خونمون آب روونه ،
وقتی بیا له وقت باشه بچه هام تو مدبخ باشه .

سکینه مست و من مست سکینه ، صد و پنجاه تمن دادم جریمه
برای خاطر موی سکینه .
که بس از من اگر یاری وفا بود ، فلک ای داد !
چه بر جور و جفا بود ، فلک ای داد !
های دلی ، دلی ، اخ از دل من ،
دل هیچ کافری و هیچ بت پرستی ؟

شد مثل دل دیوانه من ، فلک ای داد
اشتر بچراست در بلندی
کله اش بمثال کله قندی
گوشش بمثال باد بزند و کله قندی ،
ابروش بمثال تیر کمند و باد زند و کله قندی ،
چشمش بمثال دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ؛
دماغش بمثال دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و
کله قندی ؛
دهنش بمثال غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و
باد بزند و کله قندی ،
دندوش بمثال خاککنند و غاز غلند و دود کشند و دور بینند و
تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،
سینش بمثال لخته سنگ و خاککنند و غاز غلند و دود کشند و
دور بینند و تیر کمند و باد بزند و کله قندی ،
شکمش بمثال طبل جنگ و لخته سنگ و خاککنند و
غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و
کله قندی ،
پاهاش به مثال چارپایند و طبل جنگ و لخته سنگ و
خاککنند و غاز غلند و دود کشند و دور بینند و تیر کمند و باد بزند و
کله قندی .

ای سال بر نگردی
زهار و شلخته کردی
ای سال بر نگردی .

شاه کج کلا
نون شده گرون
ما شدیم اسیر
رفته کربلا ،
به من به قرون ،
از دس وزیر .

ای سلی جانم ، سلی جانم سلی ،
این ور بازار دویدم
پیرهن طوری خیرم
ای سلی جانم ، سلی جانم سلی ..

آخر نچیدم ز وصال گلی .
تو بودی که یارک میساختی
سر دزو لاک میساختی ؟
زرمندی قرمه سبزی ...

میرزا رضای رشیدم
نیامدی سر کشیدم .
واست کوفته کشیدم ،

دیزی بازاری شوره ،
چشم مستبد کوره .

مددعلیشا قرت کو ؟
توپ شنیدرت کو ؟

اقای سردار مرد زرنکه ،
از تهرن میکن چوندار میباد ایشالا دروغه .

سوسک سیاه بردار
ممدعلیشاه تو وردار .

بین بدارش زدن ،
اتیش بمالش زدن !

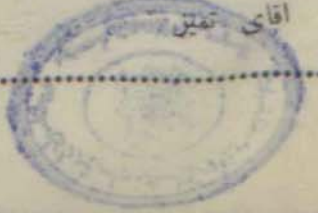
رئیس بایها عباس افندی
افتاد تو خلا چرا نمیخندی ؟

سیرات و شیردون و نگاری
بافوری غیرت نداری .

ای عرقخورها
بطری سه قرون
عرق شده گرون ،
ما نمیخوریم ،

سک اینی ارمده
سک درنده ارمده
خانوم تقایی اومده ،
خانوم رو بنده اومده .

خانوم شلخته
اقای تمیز
نخوری به تخته ،
نخوری بمیز



بدری کوتوله

نخوری به لوله .

میخواهی عدس بیارم ، تو رو بهوس بیارم ؟
دیدیکه عدس اوردم ، تو رو بهوس اوردم ؟
میخواهی لبو بیارم ، سرت و هوو بیارم ؟
دیدیکه لبو اوردم ، سر تو هوو اوردم ؟

بشکن ، من نمیشکنم - بشکن
اینجا تهرونه بشکن ، قر فراوونه بشکن ،
برای تاجرا بشکن ، روی اجرا بشکن .

روزگاری بسر بست ازان مس کردم
دس به هفت تیر زدم ، هفتافشنگ در کردم
ازان را سه بازار سوت زد آمد به جلو :
تو عرق خوردی ، مس کردی ، زود بیفت جلو .

اقای فکل - چه چه ، تو لاله زار - چه چه ،
سنار سیرابی - چه چه ، تو کاسه ابی - چه چه ،
ته سیکار داری ؟ چه چه .

قصه ما بسر رسید . غلاغه به خوتش نرسید .

پایان

